

نشریه پژوهش‌های زبان‌شناسی

سال هفتم، شماره اول، شماره ترتیبی ۱۲، بهار و تابستان ۱۳۹۴

تاریخ وصول: ۱۳۹۳/۷/۱۹

تاریخ اصلاحات: ۱۳۹۴/۵/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۷/۸

صص ۴۹-۶۴

تحلیل انتقادی استعاره دستوری در گفتمان سیاسی روزنامه‌های داخلی

* ابراهیم رضاپور

چکیده

استعاره دستوری یکی از موضوعات اساسی در نقش‌گرایی نظام‌مند است که در سال‌های اخیر توجه بسیاری از محققان را به خود جلب کرده است. پرسش اصلی تحقیق این است که کارکردهای استعاره دستوری مانند اسم‌سازی و وجهیت در گفتمان سیاسی چیست و چرا رسانه‌ها از استعاره‌های دستوری استفاده می‌کنند؟ در حقیقت هدف اصلی تحقیق این است که نقش استعاره دستوری در گفتمان سیاسی بر اساس دستور نقش‌گرای نظام‌مند توصیف و تبیین گردد. در این تحقیق کارکردهای اصلی استعاره دستوری اسم‌سازی و وجهیت در گفتمان سیاسی مورد بررسی قرار گرفته است. داده‌های تحقیق از متون سیاسی دو روزنامه رسالت و شرق استخراج شده است که بسامد استعاره دستوری اسم‌سازی در متون سیاسی روزنامه رسالت ۴۰۸ مورد و بسامد استعاره وجهیت ۳۰ مورد بوده است و بسامد استعاره اسم‌سازی در متون سیاسی روزنامه شرق ۳۰۴ مورد و بسامد استعاره وجهیت ۳۲ مورد بوده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که کارکردهای اصلی استعاره اسم‌سازی، برجسته‌سازی نقاط قوت خودی‌ها، برجسته‌سازی نقاط ضعف غیرخودی‌ها، پنهان‌سازی ایدئولوژی‌ها و پوشیدگی پیام، ایجاد انسجام و پیوستگی معنایی، متراکم‌سازی اطلاعات و به تبع آن پیچیدگی پیام، تغییر توزیع آغازگر و پایان‌بخش و اطلاع‌کهنه و نو و برجستگی عناصر در بند است. همچنین نتایج تحقیق نشان می‌دهد که کارکردهای اصلی استعاره وجهیت در متون سیاسی بازنمایی عینی ایدئولوژی‌ها، بیان نگرش نویسنده و میزان قطعیت وقوع گزاره و برجسته‌سازی ایدئولوژی‌هاست.

کلیدواژه‌ها: استعاره دستوری، ایدئولوژی، اسم‌سازی، استعاره وجهیت، گفتمان سیاسی

۱. مقدمه

استعاره دستوری^۱ یکی از مهم‌ترین نوآوری‌ها در زبانشناسی نقش‌گرای نظام‌مند در دو دهه گذشته بوده است. استعاره دستوری تاکنون از طریق دو انگاره لایه‌ای و معنایی^۲ مورد بررسی قرار گرفته است. انگاره لایه‌ای استعاره دستوری را بر حسب تنش لایه‌ای بین معنی‌شناسی گفتمان و واژگان دستور مورد بحث و بررسی قرار داده است. استعاره دستوری از منظر مارتین^۳ (۱۹۹۳: ۱۱۲) بازنمایی‌کننده تنش بین دستور (گفته‌پردازی متن) و معنی‌شناسی (معنای متن) است بطوری که زبان باید بر مبنای حداقل دو سطح خوانش شود: سطحی که مستقیماً بازنمایی‌کننده دستور است و سطح فراتر از آن با معنی‌شناسی مرتبط است. از منظر انگاره معنایی وقتی توالی واژه‌ها به مثابه بند مرکب یا فرایند به مثابه فعل لحاظ شود، صورت متجانس خواهیم داشت و وقتی که توالی واژه‌ها به مثابه چیزی غیر از بند مرکب و یا فرایند به مثابه چیزی غیر از فعل باشد، صورت استعاری خواهیم داشت (هلیدی و متیسن^۴، ۱۹۹۹: ۲۳۸). دوریم^۵ (۲۰۱۵: ۵) اشاره کرد که در حقیقت استعاره دستوری بر حسب انگاره معنایی محصول روابط بین لایه‌ای میان معنی‌شناسی گفتمان و واژگان دستور نیست، بلکه محصول روابط درون لایه‌ای بین مقولات معنایی است. اما انگاره سوّمی را دوریم (۲۰۱۵: ۱۱) تحت عنوان انگاره تلفیقی^۶ مطرح کرده است: استعاره دستوری در انگاره تلفیقی ساخت زبانی است که محصول تنش لایه‌ای بین معانی اندیشگانی (تجربی و منطقی) و بین‌فردی در معنی‌شناسی گفتمانی و واژگان دستور است. پرسش اصلی تحقیق این است که کارکردهای اساسی استعاره دستوری در گفتمان سیاسی فارسی چیست و چرا رسانه‌ها از استعاره دستوری در متون استفاده می‌کنند؟ نگارنده سعی کرده است در این تحقیق بر اساس اصول دستور نقش‌گرای نظام‌مند با استفاده از تحقیقات انجام شده در متون سیاسی انگلیسی تصویری نسبتاً روشن از کارکردهای استعاره دستوری اسم‌سازی و وجهیت در متون سیاسی فارسی ارائه نماید. روش تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی و مقایسه‌ای است که نگارنده با استفاده از الگوی نقش‌گرایی هلیدی در زمینه استعاره دستوری و همچنین از رویکردهای انتقادی تحلیل گفتمان از جمله الگوی وان‌دایک^۷ به تجزیه و تحلیل استعاره‌های دستوری پرداخته است.

۲. کارکردهای استعاره دستوری در گفتمان

سوشینسکین^۸ (۲۰۰۸: ۱۲۹) در زمینه استعاره دستوری اشاره کرد که هدف از بکارگیری استعاره‌های دستوری جهت‌دهی واژگان و دستور در مسیری است که گوینده می‌خواهد تأثیر خاصی را بر مخاطبان القا کند. در استعاره‌های دستوری اندیشگانی، مشخصه‌های واژگان دستور دوباره چپش می‌شوند تا دیدگاه خاصی از واقعیت را منعکس کنند یعنی نویسندگان با استفاده از استعاره‌های دستوری روش متناوب و جایگزینی را برای ساخت تصویری از واقعیت می‌سازند. ملروز^۹ (۲۰۰۳) مدّعی است استعاره دستوری در هر گفتمان که بصورت اسم‌سازی بازنمایی شده‌اند، بجای

¹ grammatical metaphor

² strata & semantic models

³ J. R. Martin

⁴ M. A. K. Halliday & C. M. I. M. Matthiessen

⁵ D. Y. Devrim

⁶ integrated model

⁷ T. A. Van Dijk

⁸ S. Susinskiene

⁹ R. Melrose

حفظ شرایط موجود ایدئولوژیک بعنوان سلاحی برای به چالش کشیدن آن مبدل شده است. به نظر نگارنده اگرچه هدف نویسنده متون سیاسی استفاده از استعاره‌دستوری جهت برجسته‌سازی ایدئولوژی خودی است، اما در بعضی موارد همین ابزار می‌تواند برخلاف هدف نویسنده عمل کند و بجای برجسته‌سازی ایدئولوژی خودی، باعث حاشیه‌رانی خودی‌ها شود. بعبارت دیگر، همه ابزارهای ایدئولوژیک از جمله استعاره‌دستوری می‌توانند نقش‌های دوگانه برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی ایدئولوژی‌ها را داشته باشند.

۳. انواع استعاره‌دستوری

همان طوری که در بخش مقدمه اشاره شد، استعاره‌دستوری محصول تنش بین واژگان دستور و معنی‌شناسی گفتمان است و استعاره‌دستوری از منظر انگاره‌لایه‌ای به مثابه بازسازی روابط بین معنی‌شناسی گفتمان و واژگان دستور توصیف شده است که منجر به ایجاد تنش لایه‌ای می‌شود (دوریم، ۲۰۱۵: ۲). از منظر انگاره‌لایه‌ای، دو نوع استعاره‌دستوری در بند وجود دارد: استعاره‌های وجه و وجهیت^۱ و استعاره‌های گذرایی^۲. بر حسب مدل نقش‌های معنایی اینها به ترتیب استعاره‌های بینافردی و اندیشگانی نامیده می‌شوند. استعاره منجر به بسط معنایی می‌شود: استعاره از طریق تولید الگوهای جدید بازنمایی ساختاری، حوزه‌های نظام‌مند جدید معنا را ایجاد کرده است (هلیدی و متین، ۲۰۰۴: ۶۲۶). بعبارت دیگر هر ساخت دستوری دارای دو صورت متجانس و نامتجانس است که در حقیقت استعاره‌دستوری صورت نامتجانس هر ساخت دستوری به شمار می‌رود. بنابراین بر اساس اصل تصویرگونگی می‌توان دریافت که هر یک از دو صورت دستوری متجانس و نامتجانس بازنمایی‌کننده معنای متفاوتی خواهند بود. چنین تفاوت معنایی را تامپسون (۱۹۹۶: ۱۶۵) مورد تأکید قرار داده است. البته وی به این نکته هم اشاره کرد که نمی‌توان مرز قاطعی بین صورت متجانس و استعاری قائل شد، بلکه دو صورت متجانس و نامتجانس را باید بصورت پیوستار در نظر گرفت که بازنمایی‌کننده معنای متفاوتی خواهند بود. تامپسون (۱۹۹۶: ۱۶۵) استعاره‌دستوری را شامل بیان معنا از طریق صورت واژگان-دستور در نظر گرفته است که اساساً برای بیان نوع متفاوت معنا تکامل یافته‌اند.

۳-۱. استعاره‌دستوری اندیشگانی

اسم‌سازی، منبعی قوی برای تولید استعاره‌های دستوری است. از طریق این ابزار، فرایندها (افعال) و ویژگی‌ها (صفات) بصورت استعاری به اسم تبدیل می‌شوند و بجای فرآیند یا صفت در بند، آنها به مثابه شیء و گروه اسمی عمل می‌کنند (هلیدی، ۱۹۹۴: ۳۵۲). هلیدی (۱۹۹۴: ۳۵۳) معتقد است که بتدریج استعاره اسم‌سازی به گونه‌های دیگر در گفتمان بزرگسالان توسعه یافته و نشانه قدرت و اعتبار شده است. بیان استعاری با گفتمان‌های قدرت و کنترل مرتبط هستند و استعاره اندیشگانی در حقیقت همپوشی بین معنا و دستور است. استعاره‌دستوری گذرایی یکی دیگر از انواع استعاره اندیشگانی است که نوع فرایند در صورت نامتجانس تغییر می‌کند، مثلاً صورت نامتجانس بندی مانند "چنین پدیده‌ای در همه رشته‌های علمی دیده می‌شود" بدین شکل بیان می‌شود: چنین پدیده‌ای در همه رشته‌های علمی به چشم می‌خورد که در حقیقت نوع فرآیند در صورت متجانس ذهنی بوده و اما در صورت نامتجانس نوع فرآیند مادی است. استعاره‌های

¹ mood & modality metaphors

² transitivity metaphor

منطقی و تجربی از منظر مارتین (۱۹۹۲: ۴۰۷) با یکدیگر همکاری می‌کنند وقتی که روابط انسجامی بیرونی بصورت استعاره‌ی درک شود و چنین تعاملی بین دو نوع استعاره منجر به افزایش میزان انتزاع متن شده بطوری که دسترسی بخش وسیعی از افراد جامعه را به محتوای متن مذکور ناممکن می‌سازد (دوریم، ۲۰۱۵: ۳).

۳-۲. استعاره‌ی دستوری بینافردي

تاورنیرز (۲۰۰۴: ۸) استعاره‌ی دستوری بینافردي را به مثابه مضاعف‌سازی معنای نشانه‌شناختی و مضاعف‌سازی زمینه بر حسب معنا تعریف کرده است. دو نوع استعاره‌ی دستوری بینافردي شامل استعاره‌های وجه و وجهیت است. در استعاره وجهیت افزوده وجه تبدیل به یک بند می‌شود، مثلاً بند "علی احتمالاً فردا به مدرسه می‌رود" بصورت "احتمال می‌رود که علی فردا به مدرسه برود" بیان می‌شود و در حقیقت یک بند تبدیل دو بند می‌شود. در استعاره‌ی وجه، حالت بند تغییر می‌کند و در حقیقت یک حالت می‌تواند دو یا چند نقش زبانی را بازنمایی کند. گوینده به دلایل کلامی می‌تواند بجای استفاده از وجه خبری از وجه پرسشی استفاده نماید؛ مثلاً گوینده بجای استفاده از وجه خبری "نمک و شکر برای انسان مضر است" را بصورت وجه پرسشی "آیا می‌دانید که نمک و شکر برای انسان مضر هستند؟" بیان نماید. وو و تانگ (۲۰۱۰: ۱۳) معتقدند که کارکرد اصلی استعاره‌ی وجهیت انعکاس نظرات گوینده و بیان عواطف است. استعاره‌ی وجهیت ذهنی، برای معرفی نوعی دیدگاه به کار می‌رود و بصورت نقل قول مستقیم بیان می‌شود. این نوع استعاره تا حدی عینیت‌سازی را افزایش می‌دهد. اسم‌سازی فعل وجهی نه تنها تمایل به وجهیت را منعکس می‌کند، بلکه نقش اساسی در ایجاد ارتباط و اتصال را برخی اوقات بازی می‌کند. زو (۲۰۰۹: ۱۱۸) معتقد است که چینی‌ها جهت‌گیری واضح و مستقیم (فاعلی) و غیرمستقیم (مفعولی) بر اساس استعاره است یعنی عبارات وجهی از واژه‌ها به بندها از طریق افزودن بند فراقنی بسط می‌یابد.

۴. چارچوب نظری تحقیق

تحلیل کلام انتقادی گرایشی است که از بطن جامعه‌شناسی جوانه زده است و قصد عملی و کاربردی آن این است که با مطالعه کلام و متون (مثلاً متون و گفتمان رسانه‌ای و آموزشی) جهان‌بینی و روابط قدرت ناشناخته و نهفته برای مردم را عیان سازد (فالور، ۱۹۹۱؛ فرکلاف و وداک، ۱۹۹۷). در این گرایش اعتقاد بر این است که عواملی همچون بافت تاریخی، روابط قدرت در جامعه، ساختارها و فرآیندهای اجتماعی و فرهنگی و جهان‌بینی‌ها، زبان (کلام و متن) را شکل داده و می‌دهند و از طریق کاربرد مستمر زبان در جامعه این بافت‌ها و روابط، ساختارها و جهان‌بینی‌ها تثبیت و ماندگار می‌شوند و بنابراین بین آن عوامل و زبان رابطه دو سویه و تأثیرپذیری متقابل برقرار است (دبیرمقدم، ۱۳۸۳: ۵۱-۵۲). ون‌دایک (۲۰۰۲: ۶۵) ایدئولوژی را شامل مجموعه‌ای از باورهای مشترک بنیادی و محوری گروه‌های اجتماعی در نظر گرفته است. تحلیل گفتمان به نقش گفتمان در بازنمایی و بازتولید قدرت و سوء استفاده از قدرت (سلطه) و به مطالعه تعامل بین ساختارهای خرد و کلان و همچنین تعامل بین ساختارهای گفتمان و ساختارهای جامعه می‌پردازد. ون‌دایک (۱۳۸۷: ۴۵۵) معتقد است که ساختارهای گفتمانی عموماً به طور غیرمستقیم بیانگر ایدئولوژی‌ها هستند. نظریه ایدئولوژی

در قالب مثلی مفهومی بیان می‌شود که جامعه، گفتمان و شناخت اجتماعی را با چارچوب گفتمان‌کاوی انتقادی به هم پیوند می‌دهد. شناخت اجتماعی نظامی از بازآمدها و فرایندهای ذهنی اعضای گروه است. ایدئولوژی‌ها به لحاظ ذهنی بازآمده و ویژگی‌های اجتماعی بنیادی یک گروه نظیر هویت، وظایف، اهداف، هنجارها، ارزش‌ها، جایگاه و منابع آن هستند (ون‌دایک، ۱۳۸۷: ۴۲۸-۴۲۹). ون‌دایک (۲۰۰۰: ۶۳-۸۴) راهبردهای ایدئولوژیک را برای توصیف و تبیین ساختارهای گفتمانی معرفی کرده است که برخی از راهبردهای مورد استفاده در تحقیق حاضر عبارت است از: (۱) برجسته‌سازی نقاط قوت خودی (راهبرد کلان‌معنایی): در بافت مناظره درباره مهاجرین، افراد سعی می‌کنند به منظور برجسته‌سازی نقاط قوت خودی نسبت به مهاجرین مهمان‌نوازی و همدردی نمایند و چنین وانمود می‌کنند که نسبت به مهاجرین تعصب نژادی ندارند و در راستای حمایت از حقوق بشر و همسویی با قوانین و توافقات بین‌المللی نسبت به پذیرش مهاجرین استقبال می‌کنند. (۲) برجسته‌سازی نقاط ضعف غیرخودی‌ها (راهبرد کلان‌معنایی): مقوله‌سازی افراد بصورت درون‌گروهی و برون‌گروهی (قطبی‌سازی و غیریت‌سازی) بدون ارزش و تصادفی نیست، بلکه هنجارها و ارزش‌ها دارای کاربردهای ایدئولوژیک هستند و در حقیقت گروه‌های غیرخودی بگونه‌ای منفی در محتوای گفتمان تجلی می‌یابند. (۳) واژگان‌گرایی: در مناظره‌ها در سطح خرد، تحلیل به بیان مفاهیم و باورهای زیربنایی از طریق عناصر واژگانی خاص، نیاز هست و معانی مشابه از طریق واژه‌های مختلف بسته به جایگاه، نقش و اهداف و دیدگاه‌های گوینده به مثابه مشخصه‌های بافتی بیان می‌شوند. (۴) تکرار: تکرار لفظی یا معنایی یکی از راهبردهای بلاغت است و نقش مهمی در برجسته‌سازی ایدئولوژی خودی و حاشیه‌رانی ایدئولوژی غیرخودی دارد. (۵) صداقت و روراستی: یکی از راهبردهای استدلال صداقت است و گویندگان وانمود می‌کنند که استدلال آنها همراه با صداقت و روراستی است. فاولر و همکاران (۱۹۷۹: ۸۰) مدعی شدند که اسم‌سازی بطور بالقوه باعث پنهان‌سازی و پوشیدگی پیام می‌شود و رفتارهای پنهان‌سازی را تداوم می‌بخشد. فرکلان (۱۹۹۲: ۲۷) در معرفی اسم‌سازی می‌گوید: اسم‌سازی تبدیل بند به اسم یا گروه اسمی است و اسم‌سازی همراه با مجهول‌سازی با مشخصه‌های مهم ایدئولوژیک متون نظیر پوشیدگی و پنهان‌سازی نظام‌مند عاملیت سروکار دارند و هر دو اجازه می‌دهند تا عامل حذف شود. فاولر (۱۹۹۱: ۸۰) مدعی است که اسم‌سازی رفتارهای پنهان‌سازی خصوصاً در حوزه‌های روابط قدرت و نگرش‌های نویسنده را در بر می‌گیرد.

۵. روش تحقیق

روش تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی و مقایسه‌ای است. داده‌های تحقیق از روزنامه‌های رسالت و شرق استخراج شده است. فضای سیاسی جامعه در حاضر بطور کلی شاهد تقابل دو ایدئولوژی اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی است که روزنامهٔ رسالت بازنمایی‌کننده ایدئولوژی اصول‌گرایی و روزنامهٔ شرق بازنمایی‌کننده ایدئولوژی اصلاح‌طلبی هستند. بنابراین داده‌های تحقیق شامل بیست سرمقالهٔ سیاسی است که از دو روزنامهٔ مذکور انتخاب شده‌اند. در تحقیق حاضر، تنها دو استعارهٔ استعاری اسم‌سازی و وجهیت مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. نگارنده با انتخاب دو روزنامه با دو ایدئولوژی متفاوت به مقایسه کاربرد استعارهٔ دستوری اسم‌سازی و وجهیت در آنها پرداخته است تا مشخص شود هر یک از روزنامه‌ها از چه شیوه‌هایی جهت بهره‌گیری از این دو ابزار ایدئولوژیک استفاده کرده‌اند. در حقیقت یکی از اهداف اصلی تحلیل گفتمان انتقادی، عینیت‌سازی ایدئولوژی در گفتمان است، عبارت دیگر، تحلیلگران انتقادی سعی می‌کنند

نیات و باورهای گوینده/نویسنده را برای مخاطبان شفاف‌سازی کنند تا مخاطبان براحتی بتوانند به باورهای آنان پی ببرند. بنابراین سعی شده است با تجزیه و تحلیل استعاره‌های دستوری در دو روزنامه مذکور بازنمایی ایدئولوژی‌های روزنامه‌ها مورد بررسی قرار گیرد.

۶. تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این تحقیق بیست سرمقاله سیاسی (ده سرمقاله از روزنامه رسالت و ده سرمقاله از روزنامه شرق) از دو روزنامه رسالت و شرق انتخاب شده‌اند که موضوعات تمام آنها در زمینه انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ در جمهوری اسلامی ایران است. سپس استعاره‌های دستوری اسم‌سازی (اندیشگانی) و وجهیت (بینافردی) از متون مذکور استخراج شده‌اند که تجزیه و تحلیل آنها به شرح زیر است.

۶-۱. نمونه‌هایی از استعارات دستوری اسم‌سازی و وجهیت در متون سیاسی روزنامه رسالت

الف) استعاره‌های اسم‌سازی

(۱) گسترده‌گی، عمق و ژرفای مشارکت مردم در انتخابات، دوستان انقلاب را در سراسر جهان شاد و دشمنان اسلام و نظام را غمگین می‌کند (رسالت، شماره ۸۱۸۰، صفحه اصلی).

در این بند مرگب، برجستگی عبارت اسمی حاصل از استعاره اسم‌سازی در ابتدای بند کاملاً مشهود است و نویسنده سعی کرده است تا میزان مشارکت مردم را با استفاده از عبارات استعاری گسترده‌گی، عمق و ژرفای حاصل از صفات گسترده، عمیق و ژرف برجسته سازد و همچنین واژه مشارکت حاصل استعاره اسم‌سازی از فعل "شرکت کردن" است. بنابراین این عبارت مشخص شده حاصل دو نوع استعاره دستوری اسم‌سازی یعنی صفت و فعل است که در نهایت صفات گسترده، عمیق و ژرف بصورت اسم در جایگاه آغازگر بند نشان‌دار و نامتجانس ظاهر شده‌اند تا بتوانند بخاطر برجسته‌سازی ابعاد مختلف مشارکت مردم در انتخابات در کانون توجه مخاطبان قرار گیرند و از طرف دیگر کارکرد اساسی استعاره اسم‌سازی در بند فوق، تغییر توزیع آغازگر/ پایان‌بخش و ساخت اطلاع است. صفات مذکور و همچنین فرایند "شرکت کردن" در جایگاه پایان‌بخش بند بی‌نشان قرار داشتند که همگی در بند نشان‌دار در جایگاه آغازگر ظاهر شده‌اند و همچنین عناصر مذکور در بند بی‌نشان جزء اطلاع نو و اما در بند نشان‌دار جزء اطلاع کهنه محسوب می‌شوند. در این عبارت استعاری عامل/کنش‌گر یعنی مردم حذف نشده است؛ زیرا نویسنده خواسته است نقش عامل را در این عبارت استعاری برجسته سازد. علاوه بر متراکم‌سازی اطلاعات و پیام در این بند، استعاره دستوری با برجستگی پیام باعث شده است تا پیام در کانون توجه شنونده قرار گیرد. بنابراین نویسنده با استفاده از راهبرد ایدئولوژیک واژگان‌گرایی، واژگانی را انتخاب کرده است که باعث برجسته‌سازی مشارکت مردم در انتخابات شده است.

(۲) فروکاستن عناصر تنش‌زا و تعارض‌آفرین، اهتمام به رقابت مثبت و پرهیز از درگیری و دست به یقه‌شدن‌های سیاسی یکی از بدیهیات و مقدمات رقابت در انتخابات اسلامی است (رسالت، شماره ۸۱۳۹، صفحه اصلی).

در این بند استعارات اسم‌سازی فروکاستن، اهتمام، پرهیز از درگیری و دست به یقه شدن باعث انسجام بیشتر متن شده‌اند و در حقیقت استعاره دستوری اندیشگانی نقش مهمی در فرانقش متنی ایفا می‌کند. نویسنده در این بند با استفاده از

استعاره‌های دستوری اسم‌سازی توانسته است عامل/کنش‌گر را از جمله حذف نماید و این کارکرد استعارهٔ دستوری باعث پنهان‌سازی و پوشیدگی پیام و ایدئولوژی شده است. عبارت دیگر با حذف کنش‌گر در بند معلوم نیست که نویسنده چه گروه یا گروه‌هایی را مورد خطاب قرار می‌دهد. از طرف دیگر نویسنده با قرار دادن سازه‌های حاصل از استعاره‌های اسم‌سازی در ابتدای عبارات، باعث برجستگی آنها شده است و بدین ترتیب این استعاره‌های بیشتر در کانون توجه مخاطب قرار می‌گیرند. در حقیقت فرایندهای "فروکاستن، اهتمام ورزیدن، پرهیز کردن و دست به یقه شدن" در بندهای بی‌نشان بصورت اسم همگی در جایگاه آغازگر بند نشان‌دار ظاهر شده‌اند که چنین عناصری در جایگاه آغازگر باعث انسجام معنایی در ذهن مخاطبان می‌شوند و از طرف دیگر نویسنده با استفاده از این کارکرد استعارهٔ دستوری و راهبرد ایدئولوژیک واژگان‌گرایی و ندادیک سعی کرده است نقاط ضعف رقیب را برجسته سازد.

۳) نادیده گرفتن ارزش‌های اسلامی در تبلیغات، چشم‌پوشی از ارزش‌های اسلامی در تبلیغات و توسل به ابزارها و امکانات غیراسلامی و حتی ضداسلامی در انتخابات راه‌اندازی کارناوال‌های تبلیغاتی همراه با موسیقی و حرکات زننده، برگزاری میتینگ‌های انتخاباتی با سوء استفاده از بیت‌المال، بهره‌برداری تبلیغاتی از زنان و دختران بدپوشش ... از جمله مواردی است که اسلامی بودن انتخابات را در معرض خطر قرار می‌دهد (رسالت، شمارهٔ ۸۱۳۹، صفحهٔ اصلی).

در بند مرگب فوق چندین بند از طریق استعاره اسم‌سازی تبدیل به یک بند مرگب شده است که در حقیقت پیام و اطلاعات متن کاملاً متراکم و فشرده شده و بنابراین فهم و درک متن نسبتاً مشکل‌تر شده است. طبق دیدگاه مارتین (۱۹۹۲) زمانی که روابط انسجامی بصورت استعاری درک شوند، دسترسی بسیاری از مخاطبان به محتوای متن بخاطر افزایش میزان انتزاع متن غیرممکن می‌گردد. بنابراین بخاطر ماهیت استعاری روابط انسجامی در متن فوق دسترسی مخاطبان به محتوای متن کاهش می‌یابد. در این بند مرگب هم سازه‌های حاصل از استعاره‌های اسم‌سازی باعث انسجام متن شده است و علاوه بر انسجام به نظر می‌رسد یکی دیگر از کارکردهای استعاره اسم‌سازی در این بند مرگب پیوستگی معنایی و پیام است. عبارت دیگر گروه‌های اسمی حاصل از کوتاه‌سازی بندها با پیوستگی خاصی کنار هم قرار گرفته‌اند که مخاطبان علی‌رغم پیچیدگی متن بخاطر پیوستگی معنایی می‌توانند معنای آن را راحت‌تر درک کنند. از طرف دیگر نویسنده با حذف عامل/کنش‌گر سعی کرده است تا ایدئولوژی و نگرش خود را پنهان سازد و نویسنده با حذف عامل خواسته است تا مخاطب در مورد متن اظهار نظر و ارزیابی کند. عبارت دیگر نویسنده نخواسته است تا ایدئولوژی و نگرش خود را بر مخاطبان تحمیل نماید و از این طریق با استفاده از استعاره‌های اسم‌سازی خواسته است تا تأثیرات بیشتری بر مخاطبان بگذارد. همان طوری که در تحقیق مطرح شده است، یکی از کارکردهای استعارهٔ دستوری اسم‌سازی، برجسته‌سازی نقاط قوت خودی‌ها و نقاط ضعف غیرخودی‌هاست که در تحلیل انتقادی گفتمان اصطلاحاً غیریت‌سازی نامیده می‌شود. نویسنده در این بند مرگب نقاط ضعف غیرخودی‌ها را از طریق کاربرد سازه‌های اسمی حاصل از استعاره‌های اسم‌سازی یعنی نادیده گرفتن ارزش‌های اسلامی، چشم‌پوشی از ارزش‌های اسلامی، توسل به ابزارها و امکانات غیراسلامی، راه‌اندازی کارناوال ...، برگزاری میتینگ انتخاباتی از بیت‌المال و بهره‌برداری از زنان و دختران بدپوشش برجسته ساخته است. بنابراین هدف تحلیل انتقادی استعاره‌های دستوری عینیت‌سازی ایدئولوژی‌های پنهان در ورای استعاره‌های دستوری است. همچنین در متن فوق نویسنده از واژه‌های خاص از جمله نادیده گرفتن، چشم‌پوشی و ... جهت برجسته‌سازی نقاط ضعف گفتمان مخالف استفاده کرده است که در حقیقت چنین واژگان

حاصل از استعاره دستوری اسم‌سازی در متن فوق نشان‌دهنده بازسازی و انطباق دوباره صورت و معنی در بخش واژگان دستور است و معنای گفتمانی و کاربردشناختی جدیدی را بازنمایی کرده است. نویسنده سعی کرده است با استفاده از راهبرد واژگان‌گرایی از منظر ون‌دایک ایدئولوژی خودی را در ذهن مخاطبان جهت برجسته‌سازی نقاط ضعف غیرخودی تثبیت نماید. علاوه بر آن، نویسنده از طریق راهبرد تکرار معنایی سعی کرده است باور خود را برای مخاطبان طبیعی و مقبول جلوه دهد.

۴) عقلانیت در ارائه برنامه‌های کاربردی برای حل مشکلات فوری کشور و اجتناب از مناقشات بنیادین در اصول پذیرفته شده نظام جمهوری اسلامی و پرهیز از بداخلاقی‌های سیاسی اعم از تبلیغات منفی، تخریب رقیب و توسل به عوامل غیر عقلانی و ضد عقلانی کاملاً مشهود بود (رسالت، شماره ۸۱۸۸، صفحه اصلی).

نویسنده در بند فوق با بکارگیری اسم‌های حاصل از فرآیند استعاره اسم‌سازی سعی کرده است انسجام متن را تقویت کند. در این بند هم عامل/کنش‌گر حذف شده است و نویسنده با بکارگیری استعارات اسم‌سازی سعی کرده است نقاط مثبت خودی‌ها را برجسته سازد و بکارگیری زیاد اسم‌های حاصل از استعاره اسم‌سازی در آغاز هر گروه اسمی باعث برجستگی مفاهیم در ذهن مخاطب شده است و در حقیقت هارمونی و هماهنگی خاصی بین برخی استعاره‌های اسم‌سازی در بند یعنی عقلانیت، اجتناب و پرهیز ایجاد شده است که تأثیر خاصی بر مخاطبان می‌گذارد. در ادبیات زبان‌شناسی این اصل پذیرفته است که میزان برجستگی عناصر در سمت راست جمله در زبان فارسی نسبت به سمت چپ بسیار بیشتر است. بعبارت دیگر میزان برجستگی عناصر در سطح جمله بصورت پیوستار است که عنصر در آغاز جمله دارای میزان برجستگی بسیار بالایی است و همچنین میزان برجستگی عناصر با عنصر مبتدا شده مرتبط است. بعبارت دیگر مبتدا در جمله دارای میزان برجستگی بالایی نسبت به سایر عناصر جمله است. بنابراین یکی از جلوه‌های اصلی فرآیند اسم‌سازی افزایش میزان برجستگی عناصر است که در حقیقت عنصر با میزان بالای برجستگی می‌تواند بیشتر از بقیه عناصر در ذهن مخاطبان تثبیت گردد. بنابراین در فرآیند اسم‌سازی، سازه فعلی تبدیل به اسم شده و عمدتاً در ابتدای بند ظاهر می‌گردد که چنین کارکردی باعث برجسته‌سازی مفاهیم در ذهن مخاطبان خواهد شد. نویسنده در این متن با استفاده از راهبرد واژگان‌گرایی سعی کرده است واژگان خاص از جمله عقلانیت، پرهیز از بد اخلاقی و... را جهت برجسته‌سازی نقاط قوت خودی انتخاب نماید.

ب- استعاره وجهیت

۵) نگارنده بر این باور است که هر انقلابی مبتنی بر آرمان‌هایی شکل می‌گیرد و اساساً بستر ظهور انقلاب‌ها؛ آرمان‌هایی است که برخاسته از تحریکات ذهن ناخودآگاه و نیازهای سرکوب شده است (رسالت، شماره ۸۱۶۲، صفحه اصلی).

۶) نکته مهم این است که قرار نیست کسی به نفع اصلاح کنار برود و برود خانه بنشیند؛ بلکه باید در میدان بماند و اصلاح را تبلیغ و ترویج کند... (رسالت، شماره ۸۱۶۰، صفحه اصلی).

۷) در نهایت تأکید بر این واقعیت ضروری است که هیچ دولتی اعم از اصول‌گرا؛ اصلاح‌طلب و یا مستقل را در دایره عصمت و مصونیت از خطا و اشتباه ندیده و از معرض نقد بدور نخواهیم داشت (رسالت، شماره ۸۱۹۶، صفحه اصلی).

درباره نمونه‌های استعاره و جهت فوق باید گفت که نویسنده در نمونه یک، دیدگاه خود را درباره گزاره یعنی شکل‌گیری هر انقلاب مبتنی بر آرمان‌ها را به صراحت بیان کرده است تا مخاطب براحتی ایدئولوژی نویسنده را درک کند. بنابراین یکی از کارکردهای اصلی استعاره و جهت عینیت‌سازی ایدئولوژی نویسنده است و نکته مهم دیگر در مورد نمونه پنج این است که نویسنده عامل/کنش‌گر (نگارنده) را در بند فرافکنی ذکر کرده است. بنابراین نویسنده، مسئولیت همه گفته‌ها را پذیرفته است. نویسنده در نمونه ششم در حقیقت از دو بند فرافکنی استفاده کرده است. عبارت دیگر بند فرافکنی اول یعنی "نکته مهم این است" در حقیقت کل بند مرکب شامل بند فرافکنی دوم و گزاره را مورد توجه قرار می‌دهد و نگرش و ایدئولوژی نویسنده را مورد تأکید قرار می‌دهد تا مخاطب به اهمیت گزاره بیشتر توجه نماید و بند فرافکنی دوم یعنی "قرار نیست" در حقیقت نگرش و ایدئولوژی نویسنده را درباره گزاره تبیین می‌نماید. بنابراین وجود دو بند فرافکنی وضوح ایدئولوژی نویسنده را درباره گزاره دوچندان می‌سازد. پس از این نمونه، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که ممکن است نویسنده، ایدئولوژی و نگرش خود را از طریق یک و یا چند بند فرافکنی درباره گزاره نشان دهد و همچنین دو یا چند بند فرافکنی باعث وضوح بیشتر دیدگاه و ایدئولوژی نویسنده می‌گردند. نویسنده در استعاره و جهت نمونه هفتم بخاطر اهمیت موضوع و گزاره از یک بند فرافکنی با کاربرد استعاره اسم‌سازی "تأکید بر این واقعیت" استفاده کرده است تا ضمن عینیت‌سازی ایدئولوژی، ضرورت اهمیت گزاره را برای مخاطب روشن سازد و در حقیقت نویسنده بجای کاربرد دو بند فرافکنی (ضرورت دارد که بر این واقعیت تأکید گردد) (استعاره و جهت) از یک بند فرافکنی همراه با استعاره اسم‌سازی استفاده کرده است که احتمالاً بخاطر کوتاه‌سازی بند مرکب بوده است. اما بخاطر انسجام و پیوستگی معنایی، تأثیر آن بر مخاطب بیشتر شده است. بنظر می‌رسد هر چه تعداد بندهای فرافکنی بیشتر باشد، عینیت‌سازی ایدئولوژی بیشتر است. نکته دیگر اینکه نویسنده در نمونه پنجم عامل/کنش‌گر را در بند فرافکنی آورده است و اما در دو نمونه دیگر عامل/کنش‌گر ذکر نشده است. بنابراین حذف عامل در بند فرافکنی باعث سلب مسئولیت از سوی کنش‌گر می‌گردد. بنابراین از بحث فوق می‌توان نتیجه‌گیری کرد که استعاره‌های و جهت برعکس استعاره اسم‌سازی باعث وضوح و عینیت‌سازی ایدئولوژی‌های موجود در متون سیاسی می‌شوند و نویسنده از هر دو ابزار استعاره اسم‌سازی و استعاره و جهت در متون سیاسی استفاده می‌کند و علاوه بر دلیلی که قبلاً ذکر شد، یکی دیگر از دلایل کاربرد دو ابزار متضاد توسط نویسنده به ایدئولوژی و نگرش او نسبت مقتضیات و مصالح خودی‌ها مربوط می‌شود؛ یعنی اگر نویسنده در جایی از متن و گفتمان احساس کند که نیاز به پنهان‌سازی ایدئولوژی و پوشیدگی پیام جهت برجسته‌سازی نقاط قوت خودی‌ها و نقاط ضعف غیرخودی‌ها بصورت غیرمستقیم و ضمنی است، از استعاره دستوری اسم‌سازی استفاده می‌کند و اگر در جایی از گفتمان احساس شود که وضوح ایدئولوژی و برجسته‌سازی نقاط قوت خودی‌ها بصورت مستقیم بر مخاطب تأثیر بیشتری دارد و اهمیت تأکید بر وضوح ایدئولوژی در گفتمان ضروری باشد، نویسنده از استعاره دستوری و جهت استفاده می‌کند. بنابراین نویسنده متن و گفتمان سیاسی از فنون و ابزارهای ایدئولوژیک مختلف جهت برجسته‌سازی نقاط قوت خودی‌ها و نقاط ضعف غیرخودی‌ها استفاده می‌کند. نویسنده در نمونه‌های فوق سعی کرده است از طریق راهبرد صداقت و روراستی و ندادیک با استفاده از استعاره‌های و جهت چنین وانمود کند که استدلال وی با صداقت همراه است و بنابراین مخاطبان بدون هیچ مقاومتی دیدگاه نویسنده را می‌پذیرند.

۶-۲. نمونه‌هایی از استعاره‌های دستوری اسم‌سازی و وجهیت در متون سیاسی روزنامه شرق

الف) استعاره اسم‌سازی

۸) تجربهٔ دیرینه نشان داده یک رجل سیاسی و مذهبی که در شرایط بحران توانسته با سکوت و تحمل و گذشت کردن از ناروا شنیدن، به کار خود بدرستی ادامه دهد، فردی خردمند و تواناست (شرق، شماره ۱۷۳۵، ص ۱).

کاربرد متعدّد استعاره‌های اسم‌سازی در بند فوق، باعث انسجام متن شده است که در حقیقت یکی از کارکردهای اساسی استعارهٔ دستوری اسم‌سازی است. در حقیقت بند نشان‌دار فوق شامل چندین بند است: یک رجل سیاسی و مذهبی که در شرایط بحران توانسته سکوت کند، تحمل کند و از ناروایی که شنیده است، گذشت کند... بنابراین متراکم‌سازی اطلاعات باعث شده است که مخاطبان با توجه و دقت بیشتری به کنکاش مفاهیم پرداخته و در نتیجه پیام بیشتر در ذهن مخاطبان تثبیت شود؛ بطوری که مخاطبان پیام را بعنوان یک واقعیت بپذیرند. همان طوری که هلیدی و متسین (۲۰۰۴) اشاره کردند، استعاره از طریق تولید الگوهای جدید بازنمایی ساختاری، حوزه‌های نظام‌مند جدید معنا را ایجاد می‌کند. بنابراین استعارهٔ دستوری با خلق حوزه‌های جدید معنا سعی می‌کند میزان تفسیرپذیری پیام را افزایش دهد بطوریکه مخاطبان با تفسیر معانی مختلف موجود در پیام، یکی از معانی را بعنوان واقعیت بپذیرند و این موضوع باعث می‌شود که پیام به مخاطبان تحمیل نشود، چراکه مخاطبان در برابر معنای تحمیلی مقاومت خواهند کرد. نویسنده همچنین با انتخاب واژگان مناسب بصورت استعاری از جمله سکوت، تحمل و گذشت سعی کرده است با استفاده از راهبرد برجسته‌سازی و ندادن نقاط قوت خودی‌ها را برجسته سازد.

۹) در اوج تشّت آرا پیرامون مناسب‌ترین فرد برای سگانداری امور اجرایی کشور، بجای روی آوردن به تنش‌ها و مجادلات بی‌پایان سیاسی و کاربرد ابزارهای غیرسیاسی، در چارچوب قواعد مردم‌سالاری، رأی دادند تا با قاعدهٔ طلایی «ارادهٔ اکثریت» رئیس‌جمهور چهار سال آینده را برگزینند (شرق، شماره ۱۷۵۸، ص ۱).

نویسنده در بند فوق با کاربرد استعاره‌های اسم‌سازی متعدّد انسجام متن را افزایش داده است که انسجام بر درک مخاطب تأثیر گذاشته و باعث تاثیرگذاری ایدئولوژی نویسنده بر مخاطب شده است. نویسنده با بکارگیری دو اسم اوج و تشّت حاصل از فرایند اسم‌سازی فضای انتخابات را ترسیم کرده است که چنین کارکردی نشان‌دهندهٔ پتانسیل بالای استعارهٔ دستوری در برجستگی پیام است. نویسنده در این بند با کاربرد برخی استعاره‌های اسم‌سازی یعنی روی آوردن به تنش‌ها و مجادلات بی‌پایان سیاسی و کاربرد ابزارهای غیرسیاسی در حقیقت نقاط ضعف غیرخودی‌ها را در گفتمان برجسته ساخته است. بنابراین یکی از کارکردهای اصلی استعاره‌های دستوری برجسته‌سازی نقاط ضعف غیرخودی‌هاست. علاوه بر آن، قرار گرفتن استعاره‌های اسم‌سازی در ابتدای هر عبارت میزان برجستگی آنها در بند افزایش یافته و این سازه‌ها بیشتر در کانون توجه مخاطبان خواهند بود.

۱۰) زیرا بی‌تردید، معدودی که بی‌توجه به الزامات منافع ملی، سود خویش را در دامن زدن به تنش و ناهمگرایی می‌دانند، خواهند کوشید تا با برجسته‌سازی تفاوت دیدگاه‌ها و کشاندن فعالان سیاسی به جادهٔ «تقابل»، نان خود را از تنور سوزان «منازعات» تندروانه بیرون آورند (شرق، شماره ۱۷۵۸، ص ۱).

نویسنده در این بند مرگب سعی کرده است با کاربرد استعاره‌های اسم‌سازی از جمله بی‌توجهی به الزامات منافع ملی، دامن زدن به تنش و ناهمگرایی و برجسته‌سازی دیدگاه‌ها و کشاندن فعالان سیاسی به جادهٔ تقابل، نقاط ضعف

غیرخودی‌ها را برجسته سازد. نویسنده با خلق و بازتولید متن از طریق استعاره‌های اسم‌سازی می‌کوشد تصویری خاص از غیرخودی‌ها را در اذهان مخاطبان القا نماید که در حقیقت یکی از کارکردهای ایدئولوژیک استعاره‌های دستوری به شمار می‌رود. نکته قابل توجه دیگر، کاربرد استعاره‌واژگانی نظیر *جاده تقابل و بیرون آوردن نان از تنور سوزان منازعات تندروانه* در این بند مرگب است که این استعارات واژگانی باعث برجسته‌سازی پیام و فهم و درک بیشتر مخاطب نسبت به مفاهیم سیاسی می‌شود. بنابراین نویسنده، پیچیدگی متن ناشی از کاربرد استعاره‌های دستوری را با کاربرد استعاره‌های واژگانی و همچنین کاربرد ابزارهای گفتمانی مانند انسجام معنایی ناشی از استعاره‌های دستوری اسم‌سازی جبران کرده است.

(۱۱) این واقعیت هم قابل انکار نیست که پشتیبانی خاتمی و هاشمی از روحانی و سپس کناره‌گیری عارف و نیز عملکرد رسانه‌های اصلاح‌طلب و در نهایت، انتخاب روحانی بعنوان «نامزد اجماعی» اصلاح‌طلبان، در واریز آرای بدنه اجتماعی اصلاحات به نفع «شیخ دیپلمات» و امکان‌پذیر ساختن پیروزی غافلگیرکننده وی نقش اساسی داشت (شرق، شماره ۱۷۵۸، ص ۱).

نویسنده در بند مرگب فوق با کاربرد استعاره‌های اسم‌سازی متعدد و ایجاد هماهنگی بین این استعاره‌ها، نقاط قوت خودی‌ها را برجسته ساخته است و همچنین نویسنده با کاربرد استعاره و جهت در ابتدای بند مرگب، سعی کرده است ایدئولوژی نهفته در گزاره را عینیت‌سازی کند. بنابراین به نظر می‌رسد در هر جایی از گفتمان که بند فرافکنی (استعاره و جهت) به کار می‌رود، در گزاره تعدادی استعاره اسم‌سازی جهت‌بازنمایی ایدئولوژی موجود در متن به کار می‌رود. کارکرد اصلی استعاره و جهت عینیت‌سازی ایدئولوژی‌هاست در حالی که کارکرد اساسی استعاره اسم‌سازی پنهان‌سازی ایدئولوژی از طریق حذف عامل/کنش‌گر و متراکم‌سازی پیام است. اما در گزاره فوق، نویسنده در تمام گروه‌های تقلیل‌یافته ناشی از عملکرد استعاره اسم‌سازی عامل/کنش‌گر را حذف نکرده است و این فنون نویسنده به عینیت‌سازی ایدئولوژی کمک کرده است. بنابراین استعاره دستوری اسم‌سازی در صورت حذف عامل/کنش‌گر باعث پنهان‌سازی ایدئولوژی می‌شود و همیشه این طور عمل نمی‌کند. همان طوری که حین در پایان‌نامه کارشناسی ارشد در زمینه استعاره دستوری اشاره کرد، استعاره دستوری اسم‌سازی در گفتمان سیاسی دارای کارکردهای ایدئولوژیک نظیر حذف عاملیت، تجسم‌سازی فرآیندها، ایجاد انسجام و تمرین و اعمال قدرت است. تحلیل استعاره دستوری اسم‌سازی نشانگر باورها و ایدئولوژی‌هاست و این باورها و ایدئولوژی‌ها از طریق ملاحظات بافت‌های موقعیتی و اجتماعی- فرهنگی نیاز به تأیید دارند. استعاره اسم‌سازی دارای پیش‌فرض‌های وجودی و کاربردهای ایدئولوژیک بخاطر پنهان‌سازی و پوشیدگی بالقوه است و این استعاره کمک می‌کند تا نگرش گوینده یا رابطه قدرت بین گوینده و شنوندگان پنهان شود و این استعاره در دو گفتمان سیاسی انگلیسی و ویتنامی به مثابه ابزار موثر و کارا در بیان ایدئولوژی‌های گویندگان عمل می‌کند. با توجه به کاربرد فنون مختلف و ابزارهای ایدئولوژیک مختلف توسط نویسنده، ایدئولوژی موجود در بند مرگب فوق در حد اعلا عینیت‌سازی شده است که به نظر می‌رسد علت اصلی، نیت نویسنده در کاربرد ابزارهای ایدئولوژیک جهت عینیت‌سازی بسیار زیاد ایدئولوژی مورد نظر خود بخاطر اهمیت ایدئولوژی نهفته در گزاره و درک و فهم مخاطب از آن است.

(ب) استعاره و جهیت

(۱۲) طرفداران «نظریهٔ اجماع» بر این باورند که اولاً شانس روحانی یا عارف در صورت معرفی رسمی آنها از سوی شورای هماهنگی جبههٔ اصلاحات خیلی هم پایین نبوده (شرق، شماره ۱۷۴۶، ص ۱).

(۱۳) با لحاظ این واقعیات است که نمی‌توان و نباید از اقدام راهگشای خاتمی، هاشمی و عارف و مشاورانشان در بسترسازی و تعمیق کار جمعی و فارغ از مسایل جناحی بی‌تفاوت گذشت (شرق، شماره ۱۷۵۵، ص ۱).

(۱۴) به نظر می‌رسد اشکالی نیست که ما آسیب‌های چند سال اخیر را که اقتصاد و فرهنگ و سیاست خارجی را دچار مسأله کرده است، بازشناسی کنیم (شرق، شماره ۱۷۳۸، ص ۱).

همان طوری که قبلاً اشاره شد، هلیدی (۱۹۹۴) معتقد است که استعاره‌های وجهی از الگوی متجانس فاصله گرفته و معنای وجهی خارج از گزاره، بازنمایی می‌شود که وظیفهٔ این جملهٔ وجهی، ارزیابی گزاره از منظر گوینده است. وو و تانگ (۲۰۱۰: ۱۳) معتقدند که کارکرد اصلی استعاره و جهیت انعکاس نقطه‌نظرات گوینده و بیان عواطف است. استعاره و جهیت، انتزاعی برای معرفی نوعی دیدگاه و نقطه‌نظر به کار می‌رود و بصورت نقل قول مستقیم بیان می‌شود. این نوع استعاره، عینیت‌سازی را افزایش می‌دهد. استعارهٔ دستوری، باعث انسجام گفتمان می‌شود. بنابراین نویسنده در نمونه‌های استعاره و جهیت فوق، بندهای وجهی را برای عینیت‌سازی ایدئولوژی‌های موردنظر خود در گزاره به کار برده است. این نوع استعاره‌های دستوری علاوه بر عینیت‌سازی ایدئولوژی، باعث تأکید بیشتر بر ایدئولوژی مورد نظر و همچنین برجسته‌سازی آن می‌شوند. بعبارت دیگر کار اصلی استعاره و جهیت، عینیت‌سازی و برجسته‌سازی ایدئولوژی‌هاست و این برجسته‌سازی ایدئولوژی باعث جلب توجه بیشتر مخاطبان می‌شود. استعاره و جهیت در نمونهٔ سیزده در حقیقت بر واقعیت ایدئولوژی موردنظر نویسنده تأکید دارد و استعاره و جهیت در نمونهٔ چهارده بر نگرش نویسنده نسبت به عدم قطعیت گزاره تأکید دارد و نویسنده با احتیاط نسبت به وقوع گزاره اشاره دارد. بنابراین یکی دیگر از کارکردهای استعارهٔ دستوری، نگرش نویسنده نسبت به قطعیت و یا احتمالات وقوع گزاره است که گزاره در نمونه‌های فوق در برگیرندهٔ ایدئولوژی و باورهای نویسندهٔ متون سیاسی است.

۳-۶: مقایسه بکارگیری استعاره‌های اسم‌سازی و وجهیت در دو روزنامهٔ رسالت و شرق

تحلیل نمونه‌هایی از داده‌های تحقیق حاکی از آن است که تعداد استعاره‌های دستوری اسم‌سازی در روزنامهٔ رسالت ۴۰۸ مورد و تعداد استعاره‌های دستوری وجهیت در روزنامه مذکور ۳۰ مورد است در حالی که تعداد استعاره‌های دستوری اسم‌سازی در روزنامهٔ شرق ۳۰۴ مورد و تعداد استعاره‌های دستوری وجهیت در روزنامه مذکور ۳۲ مورد است. بنابراین با توجه به ملحوظ موضوع یکسان، یعنی انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۲ و همچنین تعداد و حجم تقریباً یکسان سرمقاله‌ها از دو روزنامهٔ مزبور، بیشترین تفاوت بین این دو روزنامه در سطح بسامد استعاره‌های دستوری اسم‌سازیست. بعبارت دیگر، تفاوت بسامد استعاره‌های دستوری اسم‌سازی در روزنامهٔ رسالت نسبت به روزنامهٔ شرق ۱۰۴ فقره است که این تفاوت در برخی موارد نشان دهنده پنهان‌سازی و پوشیدگی بیشتر پیام، و اما در اکثر موارد نشان‌دهندهٔ برجسته‌سازی پیام و تثبیت آن در ذهن مخاطبان در روزنامهٔ رسالت نسبت به روزنامهٔ شرق است. همچنین کارکرد اصلی استعارهٔ دستوری بازنمایی واقعیت بر اساس الگوهای ساختاری جدید است که در حقیقت روزنامهٔ رسالت با بکارگیری

استعاره‌های اسم‌سازی بیشتر نسبت به روزنامه‌ی شرق سازوکارهای بازنمایی را به طرق مختلف امکان‌پذیر می‌سازد و چنین تکثر و تنوع در بازنمایی پیام باعث می‌شود مخاطبان امکان انتخاب پیام مورد نظر را بر اساس پیشفرض‌هایشان داشته باشند. عبارت دیگر هیچ پیامی به مخاطبان تحمیل نمی‌شود و چنین چیزی باعث می‌شود مخاطبان با تفسیر معانی مختلف پیام، یکی از معانی را به عنوان واقعیت بپذیرند. داده‌های تحقیق نشان می‌دهد که روزنامه‌ی رسالت با بکارگیری بیشتر استعاره اسم‌سازی باعث تغییر توزیع آغازگر/پایان‌بخش می‌شود که حاصل چنین تغییری نشان‌دهنده‌ی تمرکز نویسنده بر بخش خاصی از پیام و در حقیقت درجه‌بندی پیام است. کارکرد استعاره‌دستوری اسم‌سازی تغییر توزیع آغازگر و پایان‌بخش و همچنین حذف عامل یا کنش‌گر در سطح بند است که حذف عامل یا کنش‌گر منجر به پنهان‌سازی و پوشیدگی پیام و همچنین تراکم اطلاعات می‌گردد؛ یعنی فرآیند اسم‌سازی باعث تبدیل بند به گروه اسمی خواهد شد و این تبدیل یعنی تنزل از مرتبه بالاتر به مرتبه پایینتر در نقش‌گرایی محسوب می‌شود که اصطلاحاً تنزل مرتبه نامیده می‌شود و نتیجه اینکه حجم متون فشرده‌تر شده و اطلاعات در بند متراکم می‌شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که میزان تراکم اطلاعات، پوشیدگی پیام و پنهان‌سازی ایدئولوژی در روزنامه‌ی رسالت نسبت به روزنامه‌ی شرق بیشتر است. همچنین داده‌های تحقیق نشان می‌دهد که در فرآیند اسم‌سازی توزیع اطلاع‌کهنه و نو دگرگون می‌گردد و چه بسا ممکن است سازه‌ی اطلاعی کهنه در اثر استعاره‌ی اسم‌سازی تبدیل به اطلاع نو گردد و همچنین یکی از کارکردهای اصلی دیگر استعاره‌ی اسم‌سازی این است که در مرحله‌ی تبدیل فرآیند (فعل) به اسم و تغییر جایگاه آن به ابتدای بند، باعث ارتقای میزان برجستگی سازه می‌گردد. در گفتمان این اصل پذیرفته است که میزان برجستگی در ابتدای بند در اوج بوده و هر چه از ابتدای بند به انتهای آن حرکت می‌کنیم، از میزان برجستگی عناصر کاسته می‌شود. بنابراین برجستگی سازه‌های حاصل از استعاره‌ی دستوری اسم‌سازی باعث می‌شود که سازه در کانون توجه شنونده/مخاطب قرار گیرد و بدین خاطر میزان توجه مخاطب نسبت به سازه اسمی شده در ابتدای بند افزایش می‌یابد، مثلاً در استعاره‌ی دستوری اسم‌سازی نمونه‌ی سوّم، جملات بصورت بی‌نشان بدین شکل بیان می‌شوند: برخی افراد/ ارزش‌های اسلامی در تبلیغات را نادیده می‌گیرند (آغازگر/پایان‌بخش) و از ارزش‌های اسلامی در تبلیغات چشم‌پوشی می‌کنند (پایان‌بخش) و به ابزارها و امکانات غیراسلامی و حتی ضداسلامی در انتخابات متوسل می‌شوند (پایان‌بخش).... کارناوال‌های تبلیغاتی همراه با موسیقی و حرکات زنده را به راه می‌اندازند (پایان‌بخش) و میتینگ‌های انتخاباتی با سوء استفاده از بیت‌المال برگزار می‌کنند (پایان‌بخش) ... که در همه‌ی این جملات بخش‌های آغازگر و پایان‌بخش مشخص شده‌اند. اما وقتی همین بندهای بی‌نشان تحت تأثیر فرآیند اسم‌سازی قرار می‌گیرند، همه عناصر پایان‌بخش در جملات بی‌نشان در جایگاه آغازگر بند اسم‌سازی شده قرار می‌گیرند و با توجه بافت زبانی و غیرزبانی به نظر می‌رسد که پایان‌بخش در جملات بی‌نشان دارای اطلاع نو بوده و اما در بند حاوی عناصر اسم‌سازی شده جزء اطلاع کهنه محسوب می‌شوند. بنابراین با توجه به کاربرد بیشتر استعاره اسم‌سازی می‌توان چنین نتیجه گرفت که برجسته‌سازی پیام و میزان توجه مخاطبان در روزنامه‌ی رسالت نسبت به روزنامه‌ی شرق بیشتر است. اما در خصوص کاربرد استعاره‌ی دستوری وجهیت (بینافردی) در هر دو روزنامه باید گفت که تفاوت چندانی وجود ندارد. بنابراین می‌توان از این تفاوت ناچیز در کاربرد استعاره‌ی وجهیت چنین نتیجه گرفت که وضوح نگرش گوینده در دو متون سیاسی یکسان است. عبارت دیگر یکی از کارکردهای استعاره‌ی وجهیت در متون و گفتمان سیاسی عینیت‌سازی نگرش و طرز فکر و ایدئولوژی و همچنین میزان قطعیت گوینده نسبت به وقوع گزاره است.

همان طوری که در بخش‌های قبلی مقاله در خصوص استعاره و جهت گفته شده است، بند مرکب شامل دو بند فرافکن کننده^۱ (بند اصلی) و فرافکنی شده^۲ (گزاره) است که بند اصلی ناشی از استعاره و جهت است و کارکرد اصلی آن بیان نگرش گوینده و همچنین میزان قطعیت وقوع گزاره است و در متون سیاسی روزنامه‌های رسالت و شرق میزان کاربرد آن نسبت به استعاره دستوری اسم‌سازی بسیار پایین است، اما هدف نویسنده متون سیاسی از کاربرد استعاره دستوری و جهت وضوح نگرش گوینده نسبت به پیام است تا مخاطب از طریق این استعاره نسبت به ایدئولوژی نویسنده متن آگاهی پیدا کند. مقایسه نقش‌های استعاره دستوری اسم‌سازی و استعاره دستوری و جهت در متون سیاسی مورد بحث در این تحقیق نشان می‌دهد که کارکردهای این دو نوع استعاره تا حدی در تقابل با هم هستند یعنی استعاره اسم‌سازی بخاطر حذف کنش‌گر باعث پوشیدگی پیام و پنهان‌سازی ایدئولوژی در متون سیاسی می‌شود و البته استعاره اسم‌سازی در موارد دیگر با قرار دادن اسم‌های حاصل از فرایندها در جایگاه آغازگر، باعث برجستگی پیام و عینیت‌سازی پیام می‌شود. اما کارکرد اصلی استعاره دستوری و جهت وضوح پیام و عینیت‌سازی نگرش‌ها و ایدئولوژی‌ها در متون سیاسی است. البته باید یادآور شد که نویسنده در بند فرافکنی کنش‌گر را حذف می‌کند و بند بصورت غیرشخصی بیان می‌شود تا گوینده در قبال پیام هیچ مسئولیتی نداشته باشد. نیت نویسنده/گوینده در کاربرد استعاره اسم‌سازی علاوه بر پوشیدگی پیام در برخی موارد، توجه بیشتر به نقش‌های دیگر استعاره اسم‌سازی یعنی تخصصی‌تر شدن متن، برجستگی پیام، تراکم اطلاعات، تغییر توزیع آغازگر و پایان بخش و همچنین تغییر توزیع اطلاع کهنه و نو در بند است.

۷. نتیجه

تحقیق حاضر به اهمیت کاربرد استعاره دستوری اسم‌سازی و جهت در گفتمان سیاسی پرداخته است که تعداد استعاره‌های اسم‌سازی به کار رفته در گفتمان سیاسی روزنامه رسالت ۴۰۸ مورد است، در حالی که تعداد استعاره‌های اسم‌سازی در گفتمان سیاسی روزنامه شرق ۳۰۴ مورد است. این تفاوت در کاربرد استعاره دستوری اسم‌سازی فاحش است و اما تفاوت کاربرد استعاره و جهت در گفتمان سیاسی دو روزنامه چندان زیاد نیست و تفاوت قابل ملاحظه‌ای را نشان نمی‌دهد و کاربرد بیشتر استعاره اسم‌سازی در روزنامه رسالت تا حدی نشانه تأکید و اهمیت بیشتر بر راهبردهای ایدئولوژیک نظیر برجسته‌سازی ایدئولوژی خودی و حاشیه‌رانی ایدئولوژی‌های غیرخودی و همچنین پوشیدگی بیشتر پیام و پنهان‌سازی ایدئولوژی در روزنامه مذکور نسبت به روزنامه شرق است. نتایج نمونه‌هایی از داده‌های تحقیق نشان می‌دهد که برخی از کارکردهای استعاره اسم‌سازی برجسته‌سازی نقاط قوت خودی‌ها، برجسته‌سازی نقاط ضعف غیرخودی‌ها، پنهان‌سازی ایدئولوژی‌ها و پوشیدگی پیام، ایجاد انسجام و پیوستگی معنایی، تراکم‌سازی اطلاعات و به تبع آن پیچیدگی پیام، تغییر توزیع آغازگر و پایان‌بخش و اطلاع کهنه و نو و برجستگی عناصر در بند است. همچنین نتایج تحقیق نشان می‌دهد که کارکردهای اصلی استعاره و جهت در متون سیاسی عینیت‌سازی ایدئولوژی‌ها، بیان نگرش نویسنده و میزان قطعیت وقوع گزاره و برجسته‌سازی ایدئولوژی‌هاست. نویسنده با استفاده از ابزارهای ایدئولوژیک استعاره دستوری سعی می‌کند میزان پنهان‌سازی ایدئولوژی‌ها را مدیریت کند یعنی بین استعاره دستوری اسم‌سازی بمتاب

¹ projecting clause

² projected clause

پنهان‌سازی ایدئولوژی‌ها و استعاره‌ وجهیت به مثابه عینیت‌سازی ایدئولوژی‌ها تعادل برقرار می‌کند تا تأثیر خاصی بر مخاطبان داشته باشند.

منابع

- دبیرمقدم، محمد (۱۳۸۳). *زیان‌شناسی نظری: پیدایش و تکوین دستور زایشی*، تهران: سمت.
- ون‌دایک، تئون (۱۳۸۷). *مطالعاتی در تحلیل گفتمان: از دستور متن تا گفتمان کاوی انتقادی*، ویراسته مهراں مهاجر و محمد نبوی، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- Devrim, Devo Y. (2015). Grammatical metaphor: What do we mean? What exactly are we researching? In *Functional Linguistics* 2 (1), pp. 1° 15.
- Fairclough, N. (1992). *Discourse and Social Change*. Cambridge: Polity Press.
- Fairclough, N. & R, Wodak (1997). Critical Discourse Analysis. In Van Dijk, T. A. (ed.). *Discourse as Social Interaction*. London: Thousand Oaks and New Delhi, pp.258° 84.
- Fowler, R. (1991). *Language in the News*. London: Routledge.
- Fowler, R., Hodge, B., Kress, G. and Trew, T. (1979). *Language and Social Control*. London: Routledge.
- Halliday, M. A. K. (1994). *An introduction to functional grammar* (2nd ed.). London: E. Arnold.
- Halliday, M. A. K. & Matthiessen, C. M. I. M. (1999). *Construing experience through meaning: A language-based approach to cognition*. London: Cassell.
- Halliday, M. A. K., & Matthiessen, Christian M. I. M. (2004). *An introduction to functional grammar* (3rd ed. / rev. by Christian M.I.M. Matthiessen). London: Arnold.
- Martin, J. R. (1992). *English text: System and structure*. Philadelphia: John Benjamins Pub. Co.
- Martin, J. R. (1993). Technology, bureaucracy and schooling: Discursive resources and control. *Cultural Dynamics* 6(1): 84° 130.
- Melrose, R. (2003). Having Things Both Ways: Grammatical Metaphor in a Systemic Functional Model of Language. In Simon-Vandenberg, A. M. S., Taverniers, M. & Ravelli, J. L. (Eds.), *Grammatical Metaphor: Views from Systemic Functional Linguistics*. Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins.
- Susinskiene, S. (2008). Grammatical Metaphors as Ideological Micro-components of Political Discourse, *FILOLOGIJA*, 13, ISSN 1392-561X.
- Taverniers, M. (2004). Interpersonal grammatical metaphor as double scoping and double grounding. [http:// users.UGent.be/~mtaverni/](http://users.UGent.be/~mtaverni/)
- Thompson, G. (1996). *Introducing functional grammar*. London: Edward Arnold.
- Van Dijk, T.A. (2000). Ideology and Discourse. Retrieved from <http://www.in-society.org/teun.html>
- Van Dijk, T. A. (2002). Ideology: political discourse and cognition, In P. A. Chilton, P. A. & Schaffner, C., *Politics as Text and talk: analytic approaches to political discourse*. John Benjamins: Amsterdam.

- Wu, J. & Tang, L. (2010). Grammatical Metaphor in News English Discourse. *Research in Theoretical Linguistics*, 4(1), 13-29.
- Xu, J. (2009). Interpreting Metaphor of Modality in Advertising English. *English Language Teaching*, Vol. 2, No.4, pp. 117-122.

